

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سلسله خانوادہ مسلمان ۱۰



بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين، والعاقبه للمتقين،
ولا عدوان الا على الظالمين، والصلاه والسلام
على محمد الذي ارسله ربه رحمه للعالمين و
على آله و صحبه اجمعين.

در ابتدا باید یادآور شد که این موضوع، موضوعی جدید و مهم در مورد «حقوق اطفال و سالمندان» در چهارچوب احکام شریعت اسلامی است. احکام و توجیهات پیشگام و مترقی بر مبنای حق، عدالت، انصاف، اخلاق و تربیت اسلامی استوار است آنچنان که هدف از آن وضع قوانینی برای جامعه‌ای پیشرو و ارزشمند و پاسداری از حلقه ارتباطی میان آغاز و انجام زندگی انسان است. جایگاه علمی این موضوع از آنجا سرچشمه می‌گیرد که بر ضرورت اهتمام به دو نسل تأکید می‌نماید. نسل جدیدی که برای آینده تربیت و آماده می‌شوند و مورد توجه و اهتمام مردم قرار دارند و آنان را برای به دست گرفتن امور زندگی پس از پایان عمر نسل قبل از خود، آماده می‌نمایند و نسل سالمندی که لازم است با احترام و تقدیر فراوان با آنان خداحافظی بشود و از زحمات و تلاش‌های مختلف‌شان در جهت پیشرفت مادی و معنوی زندگی خود و نسل نو به طور شایسته قدردانی به عمل بیاید. نسلی که با بهره‌گیری از بهترین توانایی‌ها و شایسته‌ترین استعدادهای خود برای آسایش آیندگان تلاش و فداکاری نمودند و برای روشن نگاه داشتن راه آیندگان زندگیشان هم‌چون شمع، قطره قطره ذوب گردید و برای بقای نسل پس از خود و دور گردانیدن ضرر و

زیان مادی و معنوی از آنان و ادامه اصل ماندگاری بشریت برای بر دوش کشیدن بار مسئولیت آباد گردانیدن و پیشرفت زمینیان که از طرف خداوند به آنان سپرده شده، همه خطرات و سختی‌ها را به جان خریده و از هیچ تلاشی فروگذار ننموده‌اند.

مرحله کودکی و جهان خردسالان شامل همه کودکان و فرزندان می‌شود که تحت سرپرستی و نگهداری و تربیت انسان قرار دارند. مرحله پیری و دنیای سالمندی نیز شامل پدران، مادران و همه کسانی می‌شود که پا به سن نهاده و عمری از آنان سپری شده است.

از نظر حقوق انسانی مورد قبول قوانین و عرف‌های بین‌المللی، اهمیت بحث در مورد حقوق اطفال و سالمندان بیشتر مشخص می‌شود و ضرورت محافظت و تأکید بر مراعات آن و تلاش برای به دست آوردن نتایج مثبتش در استحکام بخشیدن به عوامل پیوند خانواده، عشیره و جامعه بیشتر معلوم می‌گردد.

مطرح نمودن این بحث در چهارچوب احکام شریعت الهی دارای مفهوم جهانی ویژه‌ای است که بر روی هدایت خداوندی برای توجه به اطفال و سالمندان متکی است و آیات و احادیث و نصوص شرعی بسیار وجود دارند که دستور می‌دهند و آنها را به اهتمام به قشرهای ضعیف جامعه از جمله «کودکان و سالمندان» و کسانی که به طور دایم یا موقت دچار مشکل شده‌اند، فرا می‌خوانند و همه

این امور را می‌توان در چهارچوب «همکاری‌های اجتماعی در اسلام» مورد توجه قرار داد.

لازم به یادآوری است که میان دو مرحله سالمندی و خردسالی شریان خونی مستحکمی وجود دارد که ارتباطی ریشه‌ای و همبستگی پویایی را میان آن دو مرحله به وجود می‌آورد و ما را متوجه این موضوع می‌نماید که هر نوع برخورد و رفتاری را که فرزندان با پدران، مادران و بزرگتران از خود دارند، ثمرات، نتایج و بازتاب آن را در زندگی خود خواهند دید و در واقع هیچ چیزی نیست که به اندازه اذیت، آزار و نافرمانی پدر و مادر، بازتاب و عکس‌العمل آن درست و همسان آن در اسرع وقت، روی بدهد. هم‌چنان که رسول خدا صلی الله علیه وسلم می‌فرماید:

«نیکوکاری از میان نمی‌رود، و گناه فراموش نمی‌شود و خداوند را مرگی نیست و هر کاری که می‌خواهی انجام بده؛ زیرا هم‌چنان که رفتار می‌نمایی با تو هم رفتار می‌شود». (عبدالرزاق در الجامع).

و در روایت دیگری آمده است که: «هر جوانی که به سالمندی احترام بگذارد، خداوند کسی را برای اکرام و احترام به او در هنگام سالمندی برمی‌انگیزد». (ترمذی) و این بدان معناست هرگونه که انسان با پدر و مادر خود رفتار نماید، فرزندان نیز به همان صورت با او رفتار خواهند داشت.

و در روایتی دیگر آمده است: «با والدین خود خوب باشید. تا فرزندان‌تان با شما به خوبی رفتار کنند». (طبرانی و حاکم)

پل‌های ارتباطی میان دو مرحله پیری و خردسالی، پل‌هایی بسیار قوی و مستحکمی می‌باشند و به هیچ‌وجه نمی‌توان آنها را از میان برداشت و ارتباط میان آن دو مرحله را از هم جدا کرد؛ زیرا غالباً انسان‌ها پس از گذراندن دوران کودکی جوانی و میان‌سالی به دوران سالمندی گام می‌نهند، هم‌چنان که در زمان کودکی دارای ضعف و ناتوانی بوده در دوران پیری هم دچار ضعف و پیری می‌گردند و به کمک و توجه دیگران نیاز پیدا می‌نمایند و در واقع وارد مرحله رحلت و خداحافظی می‌شوند و گاهی این مرحله در حافظه جامعه کودک خانواده زنده می‌ماند و گاهی نیز اعمال گذشتگان به دست فراموشی سپرده می‌شود. اما در مرحله کودکی معمولاً انسان بیشتر مورد توجه و اهتمام قرار می‌گیرد؛ زیرا مرحله رشد، تربیت، آماده‌سازی و نشانیدن نهال امید برای تحقق آرزوهای دور و دراز در عرصه رشد و سازندگی است. رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرموده‌اند:

«در مورد ناتوانان مرا یاری دهید و تنها به خاطر ضعفای شماست که خداوند رزق و روزی شما را می‌دهد». (ابوداود)

قرآن با بهترین و زیباترین روش و در مناسبت‌های متعدد برای تقویت حافظه فرزندان و نسل‌های آینده به ارتباط میان آنان و نسل قبل از آنها و نقش‌شان در کامل گرداندن یکدیگر و عوامل ارتباط میان آن دو مرحله را تصویر

می‌نماید و خداوند متعال در بیان مراحل عمر انسان می‌فرماید:

﴿اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ﴾ (الروم / ۵۴)

«خداوند همان کسی است که شما را از (چیزی سراپا) ضعف آفریده است و پس از آن قوت و توانایی بخشیده است و آن‌گاه ضعف و پیری را جایگزین آن قوت گردانیده؛ زیرا خداوند هرچه را که بخواهد، می‌آفریند و او بسیار آگاه و تواناست».

هم‌چنین خداوند متعال به این موضوع اشاره می‌فرماید که: سالمندان گاهی از نظر عقلی و هوش به صورت و هم‌چنین حالت کودکان در می‌آیند؛ تا انسان‌ها زمان قوت، توانایی و جوانی را غنیمت بشمارند و در عمل و احساس مسئولیت، کوتاهی نورزند. ﴿وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ ثُمَّ يَتَوَفَّاكُمْ وَمِنْكُمْ مَنْ يُرَدُّ إِلَى أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْ لَا يَعْلَمَ بَعْدَ عِلْمٍ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ قَدِيرٌ﴾ (النحل / ۷۰)

«خداوند شما را آفریده است و سپس شما را می‌میراند و برخی از شما را به پست‌ترین و خوارترین مراحل عمر (پیری) می‌رساند، تا پس از آگاهی همه چیز را فراموش نماید، به راستی خداوند است که آگاه و تواناست».

خلاصه موضوع

شریعت اسلام پیش از همه سازمان‌ها و جمعیت‌ها و حکومت‌ها، همه مردم را به رعایت و توجه به اطفال و سالمندان ترغیب نموده و این توجیهات را به خوبی از لابلای آیات قرآن و احادیث رسول خدا صلی الله علیه وسلم می‌توان مشاهده نمود. به ویژه در ضمن توجیهات تربیتی لقمان حکیم برای فرزندش و تأکید مکرر آیات قرآن در مورد احسان و احترام به پدر، مادر و افراد مسن و ضعیف نمونه‌های زیادی به چشم می‌خورد. برای مثال رسول خدا صلی الله علیه وسلم می‌فرماید:

«هر جوانی که به سالمندی احترام بگذارد، خداوند کسی را مأمور می‌نماید که او را در سالمندی مورد احترام قرار دهد.» و «شما را به مراقبت از مستمندان سفارش می‌نمایم زیرا به خاطر آنهاست که خداوند امکانات و روزی زندگی را در اختیارشان نهاده است».

از طرف دیگر فقها در بخش‌های مختلف فقه عبادات و معاملات و در کتاب‌های اصول فقه در مبحث «اهلیت و عوارض آن» زیر عنوان «احکام کودکان» بحث‌های مستند و مطلوبی را بیان نموده‌اند. هم‌چنان که پیش‌تر نیز گفته شد: امام بزرگوار محمد بن محمود بن حسین استروشنی حنفی از فقهای قرن هفتم هجری کتابی را به نام «جامع احکام الصغار» تألیف کرده است.

هم‌چنین فقهای مسلمان به کودکان از همان زمانی که جنینی بیش نبوده‌اند اهتمام نموده و حقوق چهارگانه‌ای را

برای آنها در نظر گرفته‌اند که عبارتند از: حق نسب و ارتباط با پدر، مادر و خانواده، حق ارث بردن، حق وصیت و حق وقف شدن برای او. حتی قبل از آفرینش در درون مادر اسلام آنها را مورد توجه قرار داده و با تشویق مسلمانان به انتخاب همسر و شریک زندگی پاک و پرهیزکار بستر مطلوب و مناسبی را برای آنها در نظر گرفته است.

و در جهت محافظت از حقوق دیگران فقها به این موضوع پرداخته‌اند که ارتکاب جرم و خسارت از طرف کودکان موجب جبران خسارت از اموال آنهاست و جزو حکم وضعی - نه تکلیفی - به شمار می‌روند؛ زیرا تنها پس از رسیدن به سن بلوغ است که تکالیف و حدود شرعی شامل کودکان می‌شود.

هم‌چنین به این موضوع اشاره کرده‌اند که به خاطر ترغیب و عادت کردن کودکان به ادای مسئولیت‌های دینی، عبادت آنها در سن تمیز جایز است. و از طرف دیگر به خاطر آموزش کار و تجارت و تدمین زندگی مادی در آینده پدر و مادر می‌توانند به او اجازه برخی از معاملات را بدهند و او را برای قیام به برخی از کارهای مربوط به دعوت از خویشاوندان، دوستان، بردن و آوردن امانت، تحویل دادن صدقه، احسان و ... مأمور کنند و فقها به این موضوع هم اشاره نموده‌اند که خرید و فروش‌های عادی و جزیی مواد خوراکی مدرسه و ... آنها - پس از اجازه والدین و پول در اختیار او نهادن - جایز و مشروع است.

و با توجه به جدیتی که شریعت اسلام برای حفظ حقوق و مصالح فردی کودکان و نوجوانان اعم از حق غذا، مسکن، لباس، مخارج تعلیم و تربیت، معالجه و به کارگیری اموال آنها - چنانچه دارای اموالی باشند - در جهت تجارت و بیشتر شدن آن دارد. اسلام قضیه ولایت و سرپرستی شخصی و مالی را مقرر نموده است که هر یک از آن دو نوع ولایت، در فقه اسلامی دارای احکام و مقررات خاص خود هستند و هر یک از آن اولیاء، دارای صلاحیت‌های مشخصی هستند که حق ندارند از چهارچوب آن خارج شوند.

هم‌چنین به خاطر تحقق همین هدف، شریعت اسلام احکام «وصایت» و سرپرستی بر کودکان از طرف پدر، جد و یا قاضی را مقرر نموده است؛ زیرا براساس حدیث:

«حاکم و (قاضی) ولی و سرپرست بی‌سرپرستان هستند» دارای حق ولایت می‌باشند و قیام به مسئولیت سرپرستی و نگهداری کودکان را برای کسانی که توانایی آن را دارند، مایه اجر و ثواب گردانیده است؛ زیرا تعاون و همیاری در راستای خیرخواهی و پرهیزکاری است. خداوند متعال در این مورد فرموده‌اند: ﴿وَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَىٰ قُلْ إِصْلَاحٌ لَهُمْ خَيْرٌ﴾ (البقره / ۲۲۰)

«در مورد (کودکان) یتیم از تو سؤال می‌کنند. بگو اصلاح (امور) آنها به خیر و مصلحت (همه) است».

لازم به یادآوری است که صلاحیت و اختیارات وصی در چهارچوب امور مالی و اقتصادی کودکان و با رعایت

شش شرط است: مکلف، عادل، عاقل، توانایی اقدام به سرپرستی و نگهداری، امانتداری و مسلمان بودن برای سرپرستی کودکان مسلمان.

مراقبت و توجه به کودکان از مرحله خردسالی تا رسیدن به سن بلوغ از طریق مقررات و احکام «حضانة» و سرپرستی که نوعی ولایت و مسئولیت است ادامه خواهد داشت و براساس احکام شرعی حضانة و سرپرستی از کودکان - به ویژه دختران - به خاطر محافظت از جان، مال، حرمت، تربیت و تعلیم آنها واجب است. حتی در شرایطی که پدر و مادر از یکدیگر جدا شده باشند، این واجب و مسئولیت هم چنان پابرجاست، مادران برای سرپرستی و نگهداری کودکان که به مادر نیازمند هستند، در اولویت قرار دارند، اما پس از رسیدن به سن بلوغ - به ویژه زمانی که بودن کودکان در نزد مادر، آنها را در معرض مشکلات گوناگون قرار دهد - این اولویت سرپرستی و نگهداری به پدر محول خواهد شد.

حضانة و سرپرستی به خاطر سفر طولانی، نقل مکان، فسق و فجور، ضعف دین و غیرت، قلت احساس مسئولیت، اذیت و آزار کودکان تحت سرپرستی یا به خاطر جنون، جذام، پیسی و ازدواج دختر تحت سرپرست، قطع و باطل می شود. هزینه های مربوط به سرپرستی و نگهداری از اموال کودکان - چنانچه خود دارای اموالی باشند - و یا از اموال پدر یا کسانی که نفقه کودکان بر آنان واجب است تأمین می شود، لازم است که سرپرست امکانات و لوازم زندگی مانند: غذا، مسکن،

لباس و دیگر مایحتاج او را فراهم نماید و پس از پایان حضانة و سرپرستی کودک به پدر یا جد پدری او تحویل داده می شود.

و بر پدر و پدربزرگ واجب است مخارج زندگی کودکان خود را در حد توان - چنانچه کودکان دارای ثروت و درآمدی نبوده و توانایی کار و کسب درآمد را نداشته باشند، به خاطر حفظ حیات و مصلحت آنان - تأمین کنند.

و از همه مهم تر بر والدین، اولیاء و مربیان واجب است که براساس باورها، عقاید صحیح، اخلاق پسندیده، عبادت و پرهیزکاری کودکان را تربیت نمایند و از رسیدگی به امور بهداشتی، پزشکی و آموزش های مختلف علوم فنی، انسانی، آداب، فرهنگ اجتماعی و اطلاعات عمومی او کوتاهی نورزند و آنان را متوجه توطئه های دشمنان خارجی و مزدوران داخلی بنمایند، تا زمینه عزت، سربلندی و حفظ حقوق مسلمانان کم کم فراهم شود.

**وصلی الله وسلم علی نبینا محمد وعلی آله
وصحبه أجمعین.
وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین.**